

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۳/۲۲

صفحات: ۵۵-۸۱

## بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در قبال

### بحران داعش و پساداعش از منظر واقع گرایی تدافعی

محمد مهدی قاسمی علی آبادی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

حسین مسعودنیا\*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

سید جواد امام جمعه زاده

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

### چکیده

عصر پساداعش به معنای عبور از داعش و دورانی که در آن داعش و تفکر داعشی وجود نداشته باشد امری غیرعلمی و تا حدودی آرزومندانه است. عصر پساداعش عصری خواهد بود که در آن اصطکاکها فشرده تر و فضای باز بسیار مستقیم تر می شود. به عبارت دیگر اکنون داعش در سوریه شکست خورده است و با کنار رفتن آن تجدید مسایل و احیای موضوعات مورد اختلاف میان معارضین سوری با اسد روبرو خواهند شد. بحران سوریه بر کشور ایران تاثیر گذاشته و چالش هایی را در روابط این دو کشور پدید آورده است. رویکردهایی که توسط ایران در سال های اخیر در عرصه سیاست خارجی دنبال شده، ریشه در مسائل تاریخی و رفتار سیاست گزاران و انگیزه های دو کشور دارد. از طرف دیگر اتحادیه اروپایی که به نوعی در سوریه نفوذ تاریخی توسط فرانسویان داشته و هم اکنون نیز دارای روابط اقتصادی و... با این کشور است وجود دارد که هر چند از وجود دولت مرکزی دمشق به رهبری خاندان اسد ناراضی است ولی بیش از آن در پی ایجاد یک سد امنیتی شدید حول خود بر ضد نفوذ عناصر تروریستی خاورمیانه می باشد. سعی بر آنست که در این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سوال باشیم که سیاست خارجی قدرت منطقه ای چون ایران و قدرت فرامنطقه ای چون اتحادیه اروپایی در قبال

---

\* نویسنده مسئول، ایمیل: h.masoudnia@ase.ui.ac.ir

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —  
سوریه پسدادعش به دنبال چه اهدافی هستند و این اهداف و مسیر نیل به آن‌ها چه پیامدهایی را  
در پی خواهد داشت؟

**واژگان کلیدی:** سوریه، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، دوران  
پسدادعش.

### مقدمه

تحولات اخیر در سوریه بدون تردید سخت‌ترین چالش داخلی نظام بشار اسد تاکنون بوده است. البته این امر به نقش مهم منطقه‌ای سوریه و اهمیت بازیگری این کشور بر تحولات منطقه از جمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش، مسئله عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای بر می‌گردد. سوریه تا پیش از وقوع ناآرامی‌ها عامل ثبات در منطقه محسوب می‌شده و برای ایفای این نقش ثبات آفرین در تحولات منطقه همواره مورد توجه طرف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. اما اکنون دولت سوریه در مقابل تحولات جدید با چالش‌های سختی روبرو است، تحولاتی که از تحولات منطقه‌ای جدید و رویکردها و اقدامات بازیگران خارجی متأثر است (ایرانی، ۱۳۹۰: ۲۳). سیر رخدادها و تحولات اخیر در سوریه موضوعی فراتر از خواست‌ها و نیات بازیگران فعال خاورمیانه از جمله ایران است و در حوزه منافع و اراده بازیگران فرامنطقه‌ای و جهانی قرار می‌گیرد. جریان تحول خواهی سوریه از یک طرف جدی و تهدید کننده نظام این کشور است و به دلیل فضای نیم قرنی اختناق داخلی و نظام تک حزبی غیر مشارکتی و انباشته شدن مطالبات مردمی در درون شرایط شکننده‌ای را برای حکومت به وجود آورده است. به ویژه این که بر اساس اخبار موجود افراد بسیار زیادی هم کشته شده‌اند و این مسئله شرایط پیچیده‌ای را در داخل ایجاد کرده است (براری، ۱۳۹۱: ۴۷). سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع تحولات سوریه را دنبال کرده است. به عبارت دیگر، ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ◊  
امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد  
سنی ایران و سوریه شود (برزگر، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷).

حوزه شام از دیرباز جزء مناطق با اهمیت برای اروپاییان بوده است. معادلات جنگ جهانی  
اول به موازات ضعف امپراتوری عثمانی، پای اروپاییان را به خاورمیانه باز کرد، بدین شکل که  
پیمان سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ و به تبع آن پیمان سور، فلسطین و اردن و بین‌النهرین را به  
قیمومیت انگلیس و سوریه را تحت قیمومیت فرانسه درآورد. تحت‌الحمايه‌هایی که در دهه‌های  
میانی قرن بیستم از زیر یوغ استعمار بیرون آمدند. لذا با چنین سابقه‌ای طبیعی بود با آغاز  
تحولات اخیر در خاورمیانه، اروپاییان سیاستی جدی در قبال منطقه داشته باشند. به نظر می‌رسد  
اتحادیه اروپا با توجه به محدودیت‌های خود در حوزه قدرت سخت‌افزاری فاقد توان مستقل برای  
مدیریت بحران سوریه است، در کنار این نقیصه ابعاد متفاوت و پیچیده داخلی، منطقه‌ای و  
بین‌المللی بحران سوریه در مقایسه با قضیه لیبی، بازیگری اتحادیه اروپا در مدیریت  
بحران سوریه را دچار خدشه جدی نموده است، لذا این موجودیت سیاسی، اعمال نظام  
تحریم‌های همه‌جانبه را در کنار بین‌المللی کردن بحران سوریه و همکاری شدید با طرف‌های  
منطقه‌ای مخالف نظام سیاسی سوریه از جمله اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج  
فارس و ترکیه را به عنوان اصلی‌ترین راهبرد برای رسیدن به اهداف خود در سوریه اتخاذ کرده  
است و البته در کنار این موضوعات اتحادیه اروپا در دوران پس‌ادعش بیشتر جنبه احتیاط‌آمیز  
سیاست‌های خود را اعمال می‌کند و طی این چهارچوب اتحادیه بیشتر در کنار روسیه از نظر  
آینده اسد و تحولات داخلی سوریه قرار می‌گیرد تا ایالات متحده آمریکا که در این دوران جدید  
بدون داعش بیشتر نیل به سوی تجزیه یکپارچگی سوریه دارد.

### چارچوب نظری

سیاست خارجی عبارت است از خط مشی و روشی که دولت‌ها در برخورد با امور و مسائل  
خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت منافع خود اتخاذ می‌کند. سیاست  
خارجی همه کشورها با محیط داخلی و خارجی در تعامل است و اهداف، توانایی‌ها،  
استراتژی‌ها، ابزارها تاکتیک‌ها، ساختار و سازمان سیاست خارجی، همچنین تصمیمات، اقدامات  
و پیامدهای سیاست خارجی همگی در این فرایند نقش دارند (سجادپور، ۱۳۸۰: ۱۱). دولت‌های  
ملی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خود در جهت دستیابی به

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

اهداف و منافع ملی خود، استراتژی‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند و از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نمی‌ورزند. از دیدگاه واقع‌گرایان موضوعاتی همچون ارزش و منافع غیرمادی، اخلاق، هنجار، تفاوت‌های فرهنگی، ایدئولوژیک و ماهیت نظام سیاسی در سیاست خارجی کشورها جایگاهی ندارند.

این مکتب بر مفروضاتی چون دولت محوری، بقا، موازنه قوا، خودیاری و آنا‌رشی بودن نظام بین‌الملل تأکید دارد. در واقع‌گرایی هدف اصلی دولت‌ها دفاع و صیانت از کشور است و گزینه بقا برای آنها در صدر قرار دارد (Waltz, ۱۹۷۹: ۱۲). بقا انگیزه اصلی در سیاست بین‌الملل بوده و از آنجایی که بر خلاف ساختار داخلی، ساختار نظام بین‌الملل آنا‌رشیک است، بدین‌گونه که هر یک از واحدهای تشکیل دهنده نظام، مسئول امنیت خود هستند و هر دولت آزاد است تا هر طور که مناسبتر می‌بیند، به تعقیب اهداف داخلی و خارجی خود همت گمارد، (یزدان فام، ۱۳۸۶: ۷۳۰) بنابراین در ساختار هرج و مرج آمیز، خودیاری ضروری‌ترین قاعده محتمل است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

موازنه قدرت به عنوان مدلی از سیستم جهانی، گویای جامعه‌ای است دربرگیرنده دولت‌ها که در آن همه بازیگران هویت و استقلال خویش را در جهت ایجاد آن حفظ می‌کنند. اگرچه موازنه صرفاً قدرت محور نمی‌باشد، اما ترس از قدرت در یک محیط آنا‌رشیک هدایت دولت‌ها را در سیستم، به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد (احمدی و زارع، ۱۳۹۰: ۸۴). زمانی که نشانه‌هایی از تلاش‌های یک قدرت بزرگ برای کنترل نظام بین‌الملل مشاهده می‌شود، قدرت‌های دیگر باهم متحد می‌شوند تا از طریق یک عامل تعادل بخش، امنیت خود را حفظ کرده و جایگاه خود را در سیستم نظام بین‌الملل حفظ نمایند. لذا می‌توان گفت، موازنه قوا عامل و مکانیسم اصلی ثبات در سیستم آنا‌رشی بین‌المللی است (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۹۵).

رویکرد واقع‌گرایی در سیاست بین‌الملل به دو نوع تهاجمی و تدافعی منشعب شده است. با نگاهی به راهبرد و اهداف جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه به این نتیجه خواهیم رسید که رویکرد آنان بیشتر از نوع واقع‌گرایی تدافعی است، اما به منظور درک بیشتر موضوع ضمن پرداختن اجمالی به دو نوع تهاجمی و تدافعی، راهبرد اتخاذ شده توسط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه و دوران پس‌اداعش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## واقع‌گرایی تهاجمی

از مهمترین نظریه‌پردازان تهاجمی می‌توان به فرید زکریا و جان مرشایمر اشاره کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۰). این نوع که از انشعابات گرایش سیاست قدرت، یعنی رئالیسم سیاسی است، نقطه آغاز مباحث گفتمانی خود را بر گرایش‌های تهاجمی، نیت تجدیدنظرطلبانه قدرت‌ها، به ویژه قدرت‌های بزرگ در سطح سیستم بین‌الملل قرار داده است و با تأکید بر شرایط آنارشی در محیط بین‌الملل معتقد هستند که آنارشی، رقابت دائمی قدرت بین قدرت‌های بزرگ را شاهد خواهد بود. از دید آنان آنارشی دارای وضعیت هابزی است که امنیت در آن بسیار کمیاب است. دولت‌های ثروتمند به ایجاد ارتش‌های بزرگ روی می‌آورند، خود را درگیر مسائل خارج از مرزها می‌کنند و به دنبال افزایش نفوذ بین‌المللی خود هستند (Zakaria, ۳: ۱۹۹۸). آن‌ها معتقدند در تأثیرگذاری بر سیستم بین‌الملل، برون داده‌های قدرت‌های بزرگ تعیین کننده می‌باشد (کامل، ۱۳۸۴: ۴). مرشایمر دلیل اصلی قدرت طلبی دولت‌ها را در سه مورد: ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، توانمندی‌های تهاجمی که همه دولت‌ها از آن برخوردارند و عدم اطمینان در مورد نیت و مقاصد دشمنان بیان نموده است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۲). مجموع این سه مفروض شرایطی را به وجود می‌آورند که کشورها نه تنها دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت را دارند بلکه انگیزه قوی و شدیدی را برای پیشینه سازی قدرت فراهم می‌سازند. در این رویکرد بقاء هدف اصلی دولت‌هاست و آنان به دنبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال در نظام سیاسی داخلی خود هستند.

درواقع گرایی تهاجمی، قدرت مهمترین ابزار رسیدن به هدف و کسب جایگاه هژمون در نظام بین‌الملل است، آنان عمدتاً بر قدرت نظامی و اقتصادی تأکید می‌نمایند، چون هر چه قدرت و مزیت و برتری نظامی یک کشور بر دیگران بیشتر باشد، ضریب امنیتی آن بالاتر خواهد بود (Waltz, ۱۹۶۹, ۱۹۹۲, Mearsheimer, ۲۰۰۱). این نوع از واقع‌گرایی بیشتر بر محوریت دولت‌های بزرگ تأکید دارد که در آن، دولت‌های بزرگ سعی دارند با برهم زدن واقعیت‌های موجود در پی تغییر حفظ موجود برآیند تا به اهداف خود در منطقه دست یابند.

## واقع‌گرایی تدافعی

در نقطه مقابل واقع‌گرایی تهاجمی، واقع‌گرایی تدافعی قرار دارد. از مهمترین نظریه پردازان این نظریه می‌توان اسنایدر و والت را نام برد. فرض اندیشمندان رئالیسم تدافعی بر این است که آناشرشی بین‌الملل معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است، در نتیجه دولت‌هایی که آن را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. واقع‌گرایی تدافعی معتقد است که دولت‌ها در پی حفظ موجودیت خویش در نظام اقتدارگرای بین‌المللی هستند. تدافعی‌ها به رابطه میان آناشرشی و ملزومات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر، توجه دارند، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. تنها در شرایطی که از جانب کشورهای دیگر احساس تهدید کنند از خود واکنش نشان می‌دهند و واکنش‌های آنان معمولاً در سطح موازنه و بازداشتن کشور تهدیدکننده است. آنان هیچ برنامه‌ای برای توسعه طلبی ندارند و معتقدند توسعه طلبی همیشه منجر به امنیت نمی‌شود.

والتر اهمیت زیادی برای نظریه موازنه قوا قائل بود، از نگاه والتر جنگ و نیروی نظامی برای حفظ وضع موجود سودمند است نه برای تغییر و برهم زدن آن (Walt, ۱۹۷۹: ۱۹۰-۱۹۱). استفان والت برخلاف نظریه موازنه قدرت کنت والتر نظریه موازنه تهدید را مطرح می‌نماید که سعی در اصلاح و افزایش کارایی نظریه موازنه قدرت دارد. از نگاه والت نظریه موازنه قدرت به خوبی نمی‌تواند رفتار تشکیل اتحادها را بر اساس سابقه تاریخی‌اش توصیف کند، همچنین موازنه قدرت نمی‌تواند توضیح دهد که چرا موازنه‌ها غالباً ناتوان از تکوین هستند (Walt, ۱۹۸۸: ۲۷۵-۳۱۶) وی معتقد است که دولت‌ها تنها در برابر قدرت، دست به موازنه نمی‌زنند، بلکه در برابر تهدید نیز دست به توازن می‌زنند. با توجه به کاستی‌های نظریه موازنه قدرت، استفان والت مدعی است که نظریه موازنه تهدید می‌تواند تبیین بهتری ارائه دهد. والت سطح تهدید را با توجه به ۱- توانایی‌ها (جمعیت، قدرت اقتصادی، وسعت کشور و سایر عوامل ژئوپلیتیک قدرت) ۲- نزدیکی جغرافیایی ۳- توانمندی‌های نظامی و ۴- نیت تهاجمی توصیف نمود (Walt, ۱۹۸۷: ۱۴۷-۱۵۱). از این توصیف می‌توان چنان برداشت کرد که علاوه بر قدرت سایر عوامل نیز مهم هستند. واقع‌گرایان تدافعی با توسل به مفهوم امنیت مدعی‌اند که اقدامات تدافعی اغلب به خطا، همچون رفتاری تجاوزطلبانه تعبیر می‌شود. دولت‌هایی که از

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵

توانایی جدید و بالقوه دیگران احساس تهدید می‌کنند با اتخاذ تدابیر نظامی از خود واکنش نشان می‌دهند.

برخلاف واقع‌گرایی تهاجمی، فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آناژشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است، یعنی امنیت چندان نایاب نیست. در نتیجه، دولت‌ها رفتار تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آن‌ها وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش اغلب در سطح ایجاد موازنه یا بازداشتن تهدیدکننده است و تنها در شرایطی که معضل امنیت جدی تلقی گردد واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رخ خواهد داد.

### بحران سوریه

در روزهای پایانی سال ۲۰۱۰، رهبران کشورهای تونس، لیبی، یمن یکی پس از دیگری سقوط کردند. پس لرزه‌های این اعتراضات در ۲۶ ژانویه سال ۲۰۱۱ سوریه را نیز در بر گرفت، در واقع می‌توان گفت که سوریه از سه ضلع مورد تهاجم قرار گرفت، الف) آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب ب) عربستان و کشورهای عرب ج) نیروهای داخلی مخالف اسد (بخشایشی اردستانی، ۱۳۹۰: ۱۱). اعتراضات سوریه از شهر درعا شروع شد. این اعتراضات در ابتدا توسط نیروهای امنیتی سرکوب شد و در ادامه آن اصلاحاتی توسط اسد اعمال گردید اما این اصلاحات و برخورد‌های امنیتی کارساز نبود. عوامل مؤثر در بحران سوریه را می‌توان در دو سطح داخلی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) و خارجی تقسیم نمود. گروه‌های مخالف اسد در داخل سوریه عبارتند از:

الف) شورای ملی سوریه: این شورا در اکتبر سال ۲۰۱۱ با حضور طیف وسیعی از فعالان خارجی و اعضای اخوان المسلمین و روشنفکران مخالف سوریه در ترکیه تشکیل شد. این گروه به دنبال مداخله نظامی بین‌المللی و ایجاد مناطق ممنوعه پروازی در سوریه است، ولی با توجه به تغییرات پی‌درپی آن، ناتوانی در جذب اقلیت‌های سوریه (به ویژه کردها، مسیحیان و علوی‌ها) و همچنین استعفای تعدادی از اعضای آن به نظر می‌رسد از جایگاه، انسجام و اثربخشی چندان در تحولات سوریه برخوردار نیست.

ب) ارتش آزاد سوریه: اعضای آن شامل نیروها و کارکنان نظامی سابق ارتش سوریه است که سرمایه آنان از طریق کشورهای خارجی و به ویژه سرمایه‌داران کشورهای حاشیه خلیج

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —  
فارس تأمین می‌شود و تجهیزات نظامی آنان نیز از بازارهای سیاه اسلحه و مهمات به دست می‌آید.

ج) ائتلاف ملی نیروهای انقلابی: که در نوامبر ۲۰۱۲ با حضور ۶۳ نفر تشکیل شد و اهداف آن را می‌توان حمایت از ارتش آزاد سوریه، امتناع از گفت‌گو و مذاکره با اسد و محاکمه عاملان آوارگی و کشتار مردم سوریه اعلام کرد. کشورهای عضو ناتو (فرانسه، ایالات متحده، انگلستان) در ردیف حامیان این ائتلاف قرار دارند.

د) جبهه آزادی بخش: در تابستان سال ۲۰۱۱ بر اساس اتحاد گروه‌های چپی از جمله فعالان کرد و افراد مرتبط با اعلامیه اصلاحات سیاسی دمشق در سال ۲۰۰۵، شکل گرفت. این جبهه به دلیل مخالفت با مداخله خارجی‌ها و موافقت با مذاکره با اسد مورد انتقاد گروه‌های دیگر قرار گرفت.

ه) داعش و جبهه النصره: در سال ۲۰۱۱ با شروع بحران سوریه، ابوبکرالبغدادی رهبر این گروه با شعار یاری رساندن به اهل سنت به جنگ داخلی سوریه وارد شد و پس از مدت کوتاهی توانستند بخش‌های زیادی از سوریه را اشغال کنند. همزمان با افزایش ناآرامی‌ها در ژانویه ۲۰۱۲، الجولانی با ایدئولوژی جهادی و فوق‌العاده رادیکال (Benotman & Blake, ۲۰۱۳) به تشکیل جبهه النصره پرداخت (Pieter, ۲۰۱۴). این دو گروه از گروه‌های فوق‌العاده رادیکال هستند و ضمن مخالفت با دولت اسد به دنبال تشکیل دولت اسلامی و مبارزه با شیعیان و قدرت نفوذ ایران در منطقه هستند. قدرت‌گیری این گروه با اشغال موصل و مناطق دیگری از عراق چند برابر شد و به عنوان یک کنشگر غیردولتی نقش بارزی را در مبارزه با حکومت سوریه از خود به نمایش گذاشته است.

ط) کردها: بزرگترین گروه اقلیت قومی در سوریه هستند. آن‌ها همواره به دنبال احیای احساسات ناسیونالیستی و تشکیل منطقه خودگردان در سوریه بوده‌اند؛ در حال حاضر مخالف هرگونه جنگ و درگیری در سوریه هستند.

نقش عوامل خارجی در سوریه بیش از عوامل داخلی نمایان است، دولت سوریه بارها اعلام نموده است که عوامل خارجی نقش مهمی در آن کشور ایفا می‌کنند (چاسادوفسکی، ۱۳۹۱). در این بحران و دوران پسابحران (داعش)، همه بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی سعی دارند نظم جدیدی را بر اساس منافع ملی خود ترسیم نمایند. در این مقاله سعی در بررسی رویکرد



\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ◊  
جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای و اتحادیه اروپا به عنوان بازیگر  
بین‌المللی می‌باشد.

### سیاست خارجی ایران در سوریه

کشور جمهوری عربی سوریه از جمله کشورهای اسلامی است که ایران با آن دارای روابط  
دیرینه و تاریخی بوده است و در حال حاضر نیز تداوم دارد. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی،  
انقلابیون کنونی در ایران با گرایش‌های مختلف از گرایش‌های چپ، راست و اسلامی، اساساً با  
کشورهای متفاوت عربی منجمله مصر، لیبی و همچنین سوریه با وجود رژیم‌های ضد غربی که  
بر آن‌ها حاکم بود تقریباً می‌توان گفت ارتباطی تنگاتنگ میان آن کشورها و انقلابیون در  
جناح‌های گوناگون وجود داشت. این همگرایی از منظر داشتن یک دشمن مشترک زمینه ساز  
تحرك بیشتر در ایجاد فضا سازی‌های مناسب پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود و با توجه به  
تحركاتی که غرب علیه جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب مطرح کرد و جبهه  
گیری‌هایی که دولت سوریه در زمینه‌های مختلف مربوط به حمله عراق به ایران و موضع  
گیری‌هایی که در زمینه‌های گوناگون سیاسی در منطقه و نظام بین الملل داشت و این موضع  
گیری‌ها با انقلابیون تازه به قدرت رسیده در تهران از همگنی و همراهی بیشتری برخوردار بود  
به طوری که آن پیشینه ارتباطات موجود جناح‌های فکری گوناگون با سوریه و جناح‌های  
متفاوت در این کشور را تقویت کرد و زمینه ساز استمرار آن در سه دهه گذشته شد (مطهرنیا،  
۱۳۹۰: ۴۴). روابط ایران و سوریه پس از انقلاب اسلامی ایران به تدریج توسعه یافته و دو  
کشور عملاً به هم‌پیمانان راهبردی مبدل شده‌اند، هر چند که هر دو طرف از قلمداد کردن خود  
به عنوان متحدین راهبردی خودداری می‌کنند. سوریه عالی‌ترین سطح روابط یک کشور عربی  
با ایران را دارد و روابط تهران با هیچ یک از پایتخت‌های عربی به اندازه روابط تهران و دمشق  
دارای پشتوانه و اهمیت نیست.

سوریه به جز روابط دو جانبه استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران، سال‌های زیادی نقش  
دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهده داشته است. از سوی دیگر، سوریه نقش  
حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. به همین دلیل،  
برخلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع، تحولات سوریه را  
دنبال کرده و می‌کند. به عبارت دیگر، ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

نگریسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود (هینه بوش، ۱۳۸۴).

بدون شک اتحاد ایران و سوریه یکی از مهمترین اتحادهای سطح خاورمیانه به شمار می‌رود. این اتحاد در ابتدا از یک سو، با هدف مقابله با تهاجم عراق، اسرائیل و نفوذ آمریکا در خاورمیانه، ماهیت تدافعی داشت (Dinerstein, ۱۹۹۵: ۵۹۹) و از سوی دیگر به نگرانی ایران از خلیج فارس و نگرانی سوریه از شام برمی‌گشت. لذا می‌توان گفت تلاش دو کشور در طی این مدت، ضمن هماهنگی سیاست‌ها، پیشبرد منافع کشور بوده است (Liska, ۲۰۱۱: ۶۲-۶۹). با سقوط حکومت شاهنشاهی در سال ۱۹۷۹، حافظ اسد اولین رهبر یک کشور عربی و سومین کشوری بود که ایران را به رسمیت شناخت. حمله عراق به ایران باعث تقویت روابط بین ایران و سوریه شد. سوریه از همان ابتدای شروع جنگ، حمله بغداد را محکوم نمود (Seale, ۱۹۸۹: ۳۵۷). سوریه با قطع خط لوله نفت عراق به دریای مدیترانه و کاهش صادرات نفت به بیش از نیم میلیون بشکه در روز و زیان ۱۷ میلیون دلاری در روز را برای عراق (Chubin and Charles Tripp, ۱۹۸۸: ۱۰۷-۱۰۸) توانست حسن همکاری خود را به ایران نشان دهد. پس از جنگ سرد روابط دو کشور باگسترش روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی وارد مرحله جدیدی شد، اما ایدئولوژی‌های مشترک آن‌ها در این دوره یک جبهه ضد امپریالیستی بود که متشکل از گرایش‌های ضد آمریکایی و ضد صهیونیسم و حمایت از گروه‌های آزادی بخش فلسطین بود. ضدیت با صهیونیسم به منشوری تبدیل شد که می‌توان همه تحولات خاورمیانه را بر اساس آن نگاه کرد (نیاکوئی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲۸). با سقوط صدام و اشغال عراق، همکاری بین ایران و سوریه افزایش یافت. حضور آمریکا در منطقه دو کشور را بیش از پیش به هم نزدیک ساخت و باعث مخالفت سوریه با منافع آمریکا در عراق و لبنان شد (Salloukh, ۲۰۰۹: ۱۸۰).

با شروع بحران سوریه، ایران با تمام توان از انجام اصلاحات، حفظ حاکمیت ملی و دولت سوریه حمایت نموده است. از نگاه ایران، اعتراضات داخلی سوریه مردمی نیست؛ بنابراین، هوشیارانه مسائل سوریه را رصد نموده و بر این باور است که در صورت موفقیت ایالات متحده

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵

در سوریه، هدف بعدی ایران خواهد بود. دانیلون، یکی از مشاوران امنیت ملی آمریکا، پایان رژیم اسد را موجب بزرگترین عقب نشینی ایران در منطقه و برهم زنده توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران می‌داند (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲). ایران با مبنا قرار دادن اظهارات رهبری ایران که سوریه در عمق استراتژیک ایران (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۱) قرار دارد با درک شرایط موجود از بحران به این نتیجه رسیده است که در صورت سقوط اسد، دولت بعدی تمایلی به همکاری با ایران نخواهد داشت (Hentov, ۲۰۱۱). بنابراین، تلاش نموده تا با برگزاری جلسات مشترک بین گروه‌های مخالف و دولت سوریه نقاط تفاهم را بین آنان فراهم سازد.

### رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال سوریه پس‌اداعش

بحران سوریه با پیچیدگی‌هایی که دارد، اثرگذاری‌هایی را بر سیاست خارجی ایران در برداشته است. با توجه به دخالت کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای و قدرت گیری گروه‌های رادیکال در سوریه، آینده سوریه حکایت از آن دارد که در صورت ادامه بحران، تحمیل الزامات اساسی را بر سیاست خارجی ایران در بر خواهد داشت. معمای امنیتی ایران در سوریه و ادامه بحران در آن کشور به ویژه در صورت تغییر قدرت حاکم، چالش‌هایی را در قالب قطع پل ارتباطی ایران با حزب الله، کاهش و یا قطع قدرت نفوذ ایران در آن منطقه، آسودگی خاطر رژیم صهیونیستی، گسترش گروه‌های رادیکال مخالف با ایران و... را به دنبال خواهد داشت. در چنین فضایی انتخاب رویکردی قابل اعتنا در جهت افزایش امنیت و نقش منطقه‌ای ضرورتی اساسی است. اگر رویکرد استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در دوران پس‌اداعش، حضور جدی‌تر در سطح منطقه باشد تا بتواند تعیین کننده معادلات آینده آن محسوب گردد، رعایت الزامات آن حیاتی خواهد بود. به معنای دیگر، اگر ایران می‌خواهد جایگاه خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه تثبیت کند، تنها با رعایت این الزامات است که چنین هدفی ممکن خواهد شد. در کنار این موضوع اگر فرض شود که ایران چنین هدفی دارد، به نظر می‌رسد که این هدف، مطلوب برخی از کشورهای منطقه و به طور مشخص کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا نیست. آن چیزی که احتمالاً دولت دونالد ترامپ در پی آن است، اینکه از تبدیل شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای جلوگیری کند. به عبارت دقیق‌تر اینکه آمریکا اجازه ندهد جایگاه ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت شود. ایران حرکت در این مسیر را آغاز کرده و به

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

دنبال آن است که در فضای پس از داعش، قدرت منطقه‌ای خود را تثبیت کند. لذا اقداماتی که دولت ترامپ آغاز کرده بر این پایه استوار است که از قدرت‌یابی ایران در منطقه جلوگیری کند، تمرکز سیاست خارجی ایران را برهم زند و درگیر مسائلی کند که آمریکا خواهان آن است. مسائلی نظیر ایران هراسی و تبدیل کردن مسئله برجام به یک موضوع جدید برای سیاست خارجی کشور و موضوعاتی چون مسایل موشکی ایران.

به هر حال ایران در سوریه و عراق به موفقیت‌هایی دست یافته است. به خصوص در سوریه توانسته قدرت نظامی خود را تبدیل به قدرت سیاسی کند و امروز می‌توان گفت ایران یکی از طرفین اصلی حل بحران سوریه است و در این راستا به حمایت خود مبنی بر حفظ یکپارچگی سوریه و دفاع از حاکمیت ملی (اسد) را در دستور کار خود قرار داده است و تغییر اسد را فقط به خواست اکثریت مردم سوریه می‌پذیرد. آنهم طی یک انتخابات آزاد. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی سوریه و حوزه نفوذ ایران، از بین دو رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی، واقع‌گرایی تدافعی از قابلیت بیشتری در تحلیل سیاست خارجی ایران در طی بحران سوریه برخوردار باشد. سیاست خارجی تدافعی به دنبال افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل است. (۱۵۸-۱۵۹: ۲۰۰۱، taliafeero) بر این اساس می‌توان گفت دولت‌ها پیوسته در پی افزایش امنیت خود هستند. برخی از نظریه‌پردازان معیارهای همچون عملکرد ایدئولوژیک دولت، سیاست‌های اقتصادی، نوع روابط با همسایگان، نوع روابط با قدرت‌های بزرگ و به کارگیری سیاست ائتلاف (۱۴۷-۱۴۱: ۱۹۹۷، kydd) را در جهت تشخیص سیاست خارجی واقع‌گرایی تدافعی به کار می‌گیرند. در بحران سوریه و دوران پساداعش سیاست خارجی ایران عمدتاً مبتنی بر حفظ منافع استراتژیک و تحت تأثیر اهمیت این کشور در معادلات سیاسی امنیتی منطقه به خصوص در حوزه روابط با حزب الله و حماس و همچنین روند صلح اعراب و اسرائیل بوده که ایران در آن دارای نقش حساس و مهمی دارد. برای فهم بهتر سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه و پساداعش از منظر واقع‌گرایی تدافعی سه رویکرد ایدئولوژیک و عملگرایی، راهبردی و دفاع فعال، اتحاد و ائتلاف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱- رویکرد ایدئولوژیک و عملگرایانه

با توجه به ویژگی‌های سیاسی امنیتی و فرهنگی، سیاست‌های منطقه‌ای ایران همواره متأثر از دو مؤلفه مهم واقعیات ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک بوده است (menashri, ۲۰۰۷). سیاست خارجی ایران در صورتی ایدئولوژیک خواهد بود که ایران صرفاً از ایدئولوژی شیعی به منظور دستیابی به اهداف مشخص شده سیاست خارجی استفاده نماید. بر اساس رویکرد واقع‌گرایی تدافعی، در جهت افزایش منافع ملی، استفاده از ایدئولوژی در سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران سوریه و دوران پس‌اداعش، ابزار مفید و مؤثری برای تقویت گروه‌های همچون حزب‌الله لبنان و علویان سوریه خواهد بود. گرچه سیاست خارجی ایران بیشتر تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد، اما عملکرد آن با توجه به نیازهای سیاسی، امنیتی و منافع ملی کشور تحت تأثیر ملاحظات عملگرایانه نیز قرار خواهد گرفت. سیاست خارجی زمانی عملکردگرایانه خواهد بود که از ابزار ایدئولوژی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد روابط دوستانه با دولت‌های ملی و گروه‌های سیاسی استفاده نمود.

از دیدگاه ایران، ناامنی در منطقه به معنای ناامنی برای ایران و برعکس، ناامنی برای ایران به معنای ناامنی برای منطقه تفسیر می‌شود (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۳۵). ایران همواره از دو طریق برای افزایش امنیت ملی خود تلاش می‌کند: اول، سعی می‌کند تا آزادی عمل یا استقلال خود را حفظ و احتمالاً افزایش دهد؛ دوم، تلاش می‌کند تا امنیت خود را از طریق ایجاد و افزایش نفوذ خود بر کشورهای دیگر حفظ و افزایش دهد (فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۴). بدون شک، بحران سوریه و دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن، یکی از مواردی است که ارتباط فراوانی با امنیت ملی ایران دارد. به منظور پیشگیری از تهدیدات احتمالی در آینده، ایران به دنبال افزایش نقش و حضور گسترده در نظام سیاسی-امنیتی و فعالیت‌های اقتصادی در سوریه می‌باشد.

## ۲- رویکرد راهبردی و دفاع فعال

براساس این رویکرد، سیاست خارجی ایران واکنشی به تهدیدات امنیتی به وجود آمده از سوی دولت‌های مداخله‌گر و ظهور و قدرت‌یابی گروه‌های تروریستی در طی بحران سوریه است. در شرایط فعلی ایران در چارچوب دفاع منطقه‌ای بایستی راهبرد خود را در مقابل بحران

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

سوریه گسترش دهد که برخلاف واقع گرایی تهاجمی، هدف ایران هماهنگی برای انجام اصلاحات و حمایت از گروه‌های مردمی سوریه در جهت خاتمه دادن به بحران آن کشور و جلوگیری از تهدیدات امنیتی است. با شروع بحران سوریه و حمایت‌های برخی از دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از بحران و برداشت ایران از میزان تهدیدهای احتمالی، حضور فعال ایران در مسائل سیاسی امنیتی سوریه افزایش یافت. ایران در چارچوب سیاست خارجی واقع گرا، برحسب میزان تهدید قدرت‌های خارجی دارای دو حلقه امنیتی ضروری و غیر ضروری در منطقه است. الف) حلقه امنیتی ضروری: که در رابطه با کشورهای همجوار (عراق، خلیج فارس، ترکیه، پاکستان و...) است که میزان تهدید از این کشورها در معیار بالایی قرار دارد. ب) حلقه امنیتی غیر ضروری: کشورهایی که با ایران فاصله دارند (سوریه، لبنان، فلسطین) اما در خاورمیانه قرار دارند. در چارچوب مسائل امنیتی، روابط با این مناطق بیشتر در جهت تقویت و افزایش قدرت چانه زنی ایران برای حفظ منافع و امنیت ملی در حلقه اول مورد توجه قرار می‌گیرد (بزرگر، ۱۳۸۸: ۱۳۹). باید گفت، ایران در راستای پیشبرد رویکرد واقع گرایی تدافعی خود باید تا حد امکان از تخریب داشته‌های راهبردی خود در سوریه جلوگیری کند و در پی عدم تغییر وضعیت در توازن قبلی بین دو کشور باشد.

### ۳- رویکرد اتحاد و ائتلاف

اتحاد راهبردی ایران و سوریه از زاویه امنیت و منافع ملی بیشتر در جهت رفع تهدیدهای مشترک ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بوده است. این اتحاد، ائتلافی راهبردی مبتنی بر رویکردهای تدافعی واقع گرایانه بیشتر تابع عوامل تدافعی در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و موقعیت ژئوپلیتیکی است. دولت‌های مخالف ایران، در سطح منطقه و بین‌الملل به شدت در جهت تغییر موازنه قوا به ضرر ایران در سوریه تلاش می‌کنند. ایران نیز نمی‌تواند نسبت به شکست یک متحد منطقه‌ای خود بی تفاوت باشد. تحولات سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و در عین حال در سطح بازیگری و نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تأثیر زیادی دارد. این کشور می‌تواند از طریق بنادر "بانیاس" و "طرطوس" در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشد. مسیر سوریه وابستگی عراق و ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، کانال سوئز و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. نقش آفرینی سوریه در معادلات سیاسی لبنان و قرار گرفتن دمشق به عنوان دولت

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵

حامی مقاومت اسلامی، بر اهمیت استراتژیک سوریه افزوده است. سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی، یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر نقش مهمی را در روند تحولات منطقه ای ایفا نماید. در همین راستا هر تغییری در نظام این کشور، باعث تغییر ژئوپلتیک خاورمیانه می‌شود. مسلماً در صورتی که در سوریه تغییری حاصل گردد، موازنه قوا به ضرر ایران تغییر خواهد کرد و باعث تضعیف قدرت ایران در سطح منطقه و یا حتی شکست حزب الله توسط رژیم صهیونیستی می‌گردد.

### روابط سوریه و اروپا

حوزه شام از دیرباز جزء مناطق با اهمیت برای اروپاییان بوده است. معادلات جنگ جهانی اول به موازات ضعف امپراتوری عثمانی، پای اروپاییان را به خاورمیانه باز کرد، بدین شکل که پیمان سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶ و به تبع آن پیمان سور، فلسطین و اردن و بین‌النهرین را به قیمومیت انگلیس و سوریه را تحت قیمومیت فرانسه درآورد. تحت‌الحمایه‌هایی که در دهه‌های میانی قرن بیستم از زیر یوغ استعمار بیرون آمدند، لذا با چنین سابقه‌ای طبیعی بود با آغاز تحولات اخیر در خاورمیانه، اروپاییان سیاستی جدی در قبال منطقه داشته باشند. این نوشتار به دنبال ارزیابی سیاست اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه و دوران پساداعش است.

نگارنده بر این باور است که تحولات ناگهانی در سوریه و سیاست کنونی اتحادیه اروپا به هیچ وجه مطلوب تصمیم‌سازان اروپایی نیست، چرا که مطالعه تاریخی روابط اروپا-سوریه از این واقعیت پرده‌برداری می‌کند که تغییرات مدنظر اروپا در سوریه و همینطور استراتژی اروپا در قبال سوریه در گذشته، پرهیز از تغییرات ناگهانی، تغییر آرام ساختار اجتماعی-اقتصادی و مدیریت تحت کنترل تحولات داخلی سوریه در پرتو سیاست موزاییکی مذهبی-قومی سوریه و ژئوپلتیک حساس شامات بوده است.

سوریه همواره برای اروپا، اهمیت استراتژیک و ژئوپلتیک داشته است. این کشور بازیگری محوری در خاورمیانه بوده که نقشی اساسی هم در نظم منطقه‌ای خصوصاً در زیر سیستم شامات هم در منازعه اعراب و اسرائیل نقشی بسیار تعیین کننده داشته است. لذا ویژگی‌های مذکور در کنار نگاه نوستالژیک اروپا به این حوزه، اهمیت سوریه را برای اتحادیه اروپا دو چندان نموده است. در روابط اروپا با سوریه نوعی تداوم استراتژیک علیرغم تغییر تاکتیکی همواره وجود

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

دارد. می‌توان قاطعانه گفت در حدود چهار دهه از روابط جدی اروپا با سوریه هیچ تحولی همچون انقلاب‌های عربی نتوانسته است چنین تغییر شگرفی را در روابط دمشق - بروکسل ایجاد نماید. قبل از وقوع انقلاب‌های عربی، اروپائیان به دنبال تغییر در نگرش‌های منطقه‌ای سوریه آن هم نه از رهگذر تغییر نظام سوریه بلکه از طریق اصلاح نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سوریه بوده‌اند. منطق اصلی این دیدگاه، اصرار به آزادسازی اقتصادی در سوریه از اوایل رابطه در سال ۱۹۷۷ از سوی اروپاییان این نکته بود که آزادسازی اقتصادی در مراحل بعد از طریق تاثیر بر حوزه ساختار اجتماعی و فرهنگی سوریه، زمینه آزادسازی و اصلاح سیاسی را در سوریه فراهم خواهد کرد. لذا اروپا، افزایش نفوذ در خاورمیانه و سوریه را از طریق افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی و همینطور اختصاص کمک‌های مالی در قالب وام و همکاری‌های فنی در زیر بناهای اقتصاد سوریه به پیش می‌برد (Stepanova, ۲۰۱۲: ۲۳).

در نگاه استراتژیک اروپا نسبت به سوریه دو هدف عمده وجود داشت: اول، تغییر رفتار نظام سوریه نسبت به همسایگان (مخصوصاً رژیم صهیونیستی) و تبدیل سوریه به کشوری در جهت بخشی از راه حل منازعه اعراب - اسرائیل (تغییر در ماهیت انگاره مقاومت در نظام سوریه). دوم، گذار سوریه در یک بازه زمانی بلند مدت با ضرب آهنگی ملایم و ثبات آفرین که برآیند هر دو سیاست مذکور تبدیل سوریه به کشوری مطلوب با استانداردهای رفتاری متناسب با منافع اروپا باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۲۳۴).

به دنبال وقوع ناآرامی‌های فوریه ۲۰۱۱ از درعای سوریه، روابط اتحادیه اروپا - سوریه دچار گسست و بحرانی جدی شد. سیاست اروپا در قبال سوریه را در شکلی فشرده می‌توان در پیوستاری از قانع کردن بشار اسد جهت گفتگوی جدی با مخالفان برای گذاری صلح‌آمیز و دموکراتیک، عدم سرکوب شدید غیرنظامیان، تا کسب حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی برای اعمال فشار حداکثری روی دولت سوریه برای کناره‌گیری از قدرت و واژگون کردن دولت مرکزی دمشق خلاصه نمود. در این راه اروپا از اعمال تحریم‌های جامع، استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت سازمان ملل، پررنگ‌تر کردن نقش سازوکارهای منطقه‌ای همچون اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس مخصوصاً افزایش همکاری‌ها در خصوص بحران سوریه با سه کشور ترکیه، عربستان و قطر نام برد. بین‌المللی کردن بحران سوریه و افزایش توجهات بین‌المللی به بحران سوریه از طریق برجسته نمودن نقض حقوق بشر توسط دولت سوریه در برخورد با مخالفان و غیرنظامیان فشار بسیار زیادی را به دولت بشار اسد وارد



\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵  
کرد، به گونه‌ای که در مقطعی دمشق مجبور به پذیرش ناظران اتحادیه عرب برای رصد کردن مسائل حقوق بشر در خاک سوریه شد.

بحران سوریه پس از داعش با پیچیدگی‌هایی که دارد، اثرگذاری‌هایی را بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا در برداشته است. با توجه به دخالت کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای و قدرت‌گیری گروه‌های رادیکال در سوریه، آینده سوریه حکایت از آن دارد که در صورت ادامه بحران، تحمیل الزامات اساسی را بر سیاست خارجی اتحادیه اروپا اجتناب ناپذیر خواهد بود. در چنین فضایی انتخاب رویکردی قابل اعتنا در جهت افزایش امنیت و نقش منطقه‌ای ضرورتی اساسی است. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط فعلی سوریه و حوزه نفوذ تاریخی و فعلی اتحادیه اروپا، از بین دو رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی و واقع‌گرایی تدافعی، واقع‌گرایی تدافعی از قابلیت بیشتری در تحلیل سیاست خارجی این اتحادیه در طی بحران سوریه برخوردار باشد. سیاست خارجی تدافعی به دنبال افزایش امنیت نسبی دولت‌ها در صحنه نظام بین‌الملل است (Taliaferro, ۲۰۰۱: ۱۵۸-۱۵۹). به همین دلیل هم اتحادیه اروپا پس از داعش بیشتر تمایل دارد حاکمیت ملی سوریه حفظ شود و روند آرامش هرچه سریعتر به این کشور بازگردد. بر این اساس می‌توان گفت دولت‌ها پیوسته در پی افزایش امنیت خود هستند. برخی از نظریه پردازان معیارهای همچون عملکرد ایدئولوژیک دولت، سیاست‌های اقتصادی، نوع روابط با همسایگان، نوع روابط با قدرت‌های بزرگ و به کارگیری سیاست ائتلاف (kydd, ۱۹۹۷: ۱۴۷-۱۴۱) را در جهت تشخیص سیاست خارجی واقع‌گرایی تدافعی به کار می‌گیرند. سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک خاورمیانه عربی و غرب این منطقه به منطقه مدیترانه و اروپا دارد. به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب، اتحادیه اروپا با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع ملی تحولات سوریه را دنبال کرده است.

### **رویکرد سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال منطقه خاورمیانه**

به فاصله سه هفته پس از مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا، اروپا نیز به پیشگامی آلمان و فرانسه، طرحی را تحت عنوان «طرح مرحله‌ای مشارکت استراتژیک بین اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه دریای مدیترانه و خاورمیانه» مطرح نمود. البته لازم به اشاره است در گذشته، اتحادیه اروپا با کشورهای حوزه مدیترانه عملاً نوعی همکاری را خصوصاً در بخش‌های اقتصادی آغاز کرده بود، اما علت اعلام طرح جدید آن‌ها بلافاصله پس از مطرح شدن طرح

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —  
آمریکا، احتمالاً رقابتی است که در این زمینه میان اروپا و آمریکا وجود دارد. مبنای طرح اروپا نیز همان گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) می‌باشد.

#### ۴- ویژگی‌های طرح اتحادیه اروپا در قبال منطقه خاورمیانه

۱. تأکید بر اصل مشارکت با کشورهای منطقه: اروپایی‌ها احساس کرده‌اند انجام موفقیت‌آمیز هر طرحی که برای خاورمیانه ارائه می‌شود، نیازمند پذیرش و همکاری طرف مقابل و وجود ظرفیت همکاری با آن طرح می‌باشد. به همین دلیل، در این طرح بر مشارکت با کشورهای منطقه تأکید شده است.
۲. تأکید بر ضرورت حل مسئله اعراب و اسرائیل: در این طرح حل و فصل بحران فلسطین پیش شرط انجام هرگونه اصلاحاتی است که می‌توان در این منطقه انجام داد. این طرح موفقیت هرگونه ابتکاری - خصوصاً طرح‌های اصلاحات - را به حل و فصل مسئله فوق مرتبط می‌داند. اروپایی‌ها حل مشکل اعراب و اسرائیل را مقدمه‌ای برای ایجاد دموکراسی در میان کشورهای عربی می‌دانند و معتقدند بسیاری از سران این کشورها به بهانه مبارزه با اسرائیل بر سر کار مانده‌اند و مردم این کشورها نیز بر این اعتقادند تا زمانی که دشمن و تهدیدی مانند اسرائیل وجود دارد نباید در داخل این کشورها علیه این حکومت‌ها حرکت‌هایی صورت گیرد.
۳. تأکید بر خصوصیات و تمایزات هر یک از کشورها: در طرح اتحادیه اروپایی به مشخصات، ویژگی‌ها، شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ظرفیت‌ها و علائق موجود در هر کشور به عنوان زمینه و بستر اجرای هرگونه طرحی توجه نشان داده شده است.
۴. تأکید بر دموکراسی و حقوق بشر: به طور سنتی اروپاییان پیرامون اینگونه مسائل - خصوصاً دو مسئله مذکور تأکید ویژه دارند.
۵. تأکید بر عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی و بی‌سوادی به عنوان تهدیدهای امنیتی اروپا: همانگونه که در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز آمده است بخشی بزرگی از جوانان کشورهای عرب به مهاجرت به غرب خصوصاً کشورهای اروپایی علاقه‌مند هستند و این مسئله برای اروپایی‌ها ایجاد نگرانی نموده است.
۶. تأکید ویژه بر مقابله با تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی، جنایات سازمان‌یافته و مهاجرت‌های غیرقانونی.

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵

۷. تأکید بیشتر بر توسعه جامعه مدنی: اروپاییان بیشتر در پی فشار از پایین از طریق ایجاد نهادهای مدنی و با شعار قانون‌گرایی هستند.

۸. کوشش برای جلب مشارکت سایر بازیگران: در طرح اروپایی، سازوکارهای منطقه‌ای با مشارکت سازمان ملل، گروه کشورهای صنعتی، اتحادیه اروپا و همچنین مجموعه‌هایی که در میان خود این کشورها وجود دارد (همانند شورای همکاری خلیج فارس یا اتحادیه عرب) مورد تأکید قرار می‌گیرد. اروپا با استفاده از الگوی سازمان امنیت و همکاری اروپا خواهان شکل‌گیری چنین ساختاری برای منطقه است. به اعتقاد اروپایی‌ها پیمان بارسلون می‌تواند نقطه شروع این ساختار باشد.

۹. تقدم صلح بر دموکراسی: اروپا به منظور برقراری امنیت در خاورمیانه خواهان استفاده از عملکرد «مشارکت برای صلح» ناتو در منطقه است زیرا معتقد است صلح مقدم بر توسعه و دموکراسی می‌باشد (امیری، ۱۳۸۴: ۲۴).

### سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه و دوران پساداعش

جنگ سوریه، که از بدترین بحران‌های انسانی جهان در دوران پس از جنگ جهانی دوم است، همچنان پیامدهای ویرانگر و غم‌انگیزی برای مردم این کشور دارد. تخریب حلب و بسیاری دیگر از شهرهای سوریه فصل جدیدی از تاریخ شوم و تا بدین جا بی پایان این منازعه بوده است. علاوه بر این، درگیری‌های سوریه به آواره شدن مردم، گسترش تروریسم و تشدید اختلافات سیاسی و فرقه‌ای منجر شده و بدین ترتیب، بی‌ثباتی فزاینده‌ای را نیز در کل منطقه ایجاد کرده است. هدف راهبردی اتحادیه اروپا در قبال سوریه که در سخنرانی ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا، در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۶ میلادی بر ضرورت آن تأکید شد، تعیین راهی برای ایفای نقش پررنگ‌تر اتحادیه اروپا در رسیدن به راه حل سیاسی پایدار در سوریه، کمک به ایجاد ثبات در این کشور و حمایت از طرح‌های بازسازی پساتوافقی است که با چارچوب مورد توافق سازمان ملل متحد مطابقت دارند و پس از آغاز یک دوره‌گذار سیاسی معتبر اجرا خواهند شد. این راهبرد مروری بر ابعاد مرتبط با سوریه و راهبرد منطقه‌ای اتحادیه اروپا در قبال سوریه، عراق و جنگ علیه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را در بر می‌گرفت. راهبرد فوق، آخرین بار، در ماه مه سال ۲۰۱۶ میلادی، در شورای اروپا بررسی و به روزرسانی شد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

بررسی نقش اتحادیه اروپا در سوریه و توانایی آن برای کمک به فرآیند تقویت راه حل سیاسی ضروری برای سران اروپا است. براساس راهبرد اروپا، نقش این اتحادیه در سوریه باید منطبق با قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد که همه مردم سوریه را در بر می‌گیرد. اقدامات اتحادیه اروپا باید شرایطی را فراهم کند که مردم سوریه بتوانند از زندگی آزاد، شرافتمندانه، ایمن و امن برخوردار باشند.

اهداف اتحادیه اروپا در سوریه، عبارتند از:

۱. پایان جنگ از طریق پیاده‌سازی فرآیندگذار سیاسی مورد توافق طرف‌های درگیر تحت حمایت فرستاده ویژه سازمان ملل متحد به سوریه و بازیگران کلیدی بین‌المللی و منطقه‌ای.
۲. کمک به پیاده‌سازی فرآیندگذار هدفمند و فراگیر در سوریه از طریق حمایت از تقویت مخالفان سیاسی در راستای قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد و اعلامیه ژنو.
۳. ترویج دموکراسی، حقوق بشر و آزادی بیان از طریق تقویت سازمان‌های جامعه مدنی سوریه.

۴. حمایت از فرایند آشتی ملی از طریق تلاش برای تحقق صلح و مبارزه با افراط‌گرایی و فرقه‌گرایی خشونت‌آمیز از جمله اتخاذ رویکردی عدالت‌محور در دوران گذار که خاطیان را در برابر جنایات جنگی شان مسئول می‌داند.

۵. نجات جان انسان‌ها از طریق تأمین به موقع، اثربخش، کارا و اصولی نیازهای انسانی آسیب‌پذیرترین اقشار مردم سوریه.

۶. حمایت از مقاومت مردم سوریه و نهادها و جامعه این کشور.

### نتیجه‌گیری

با نگاهی کلی به پژوهش به نظر می‌رسد، از آنجاکه واقع‌گرایی تدافعی هدایت سیاست خارجی کشورها را پاسخی به تهدیدهای خارجی می‌داند، سیاست خارجی ایران و اتحادیه اروپا در طی بحران سوریه و پساداعش با تئوری واقع‌گرایی تدافعی همخوانی دارد. از نگاه واقع‌گرایی تدافعی ایرانی، آینده سوریه و عدم شکست آن در برابر اهداف و نیت کشورهای غربی برای ایران از لحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنه قدرت و تقویت هلال شیعی در کشورهای ایران، لبنان، عراق و سوریه بسیار باارزش است. موقعیت سوریه به گونه‌ای است که برخی از بازیگران دولتی سعی دارند نظم جدیدی را بر اساس منافع امنیت ملی خود رقم زنند.

\_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ♦

ایران نیز در نقش یک متحد سوریه و یکی از کشورهای قدرتمند منطقه‌ای دارای نگرش‌های امنیتی فراوانی در این زمینه است. تغییر در نظام سوریه و برافتادن حکومت حاکم، ژئوپلیتیک آن را تغییر خواهد داد، چون هرگونه تغییر در سوریه، بر کلیت آن تأثیرگذار خواهد بود. این تغییرات می‌تواند دامنه وسیع‌تری بیابد و بر سایر بازیگران و گروه‌ها و ساختارهای منطقه‌ای و بین‌المللی اثرگذار باشد.

برای پرداختن به موضوع برخورد اروپا با بحران سوریه و موضوع پساداعش باید به گذشته بازگشت و نگاهی به مسایلی که در خاورمیانه پیش آمد، داشته باشیم. بحران به وجود آمده در سوریه و حضور نیروهایی علیه بشار اسد، اولاً موقعیتی را برای اروپا مهیا کرد تا با دولتی که چندان مطلوب آن‌ها نبود، به طور غیر مستقیم مقابله کند. ثانیاً خروج بحران از کنترل اروپا بود. خروج کنترل به دلیل شکل‌گیری نیروهای افراطی مانند داعش قلمداد می‌شود. بسیاری از کشورهای اروپایی بر این باور بودند که می‌توانند بحران سوریه را در کمتر از یک سال با سرنگونی حکومت فعلی به مرحله نوینی برسانند، اما این موضوع اتفاق نیفتاد. یکی از مهمترین دلایل عدم توفیق غرب و خصوصاً این دیدگاه اروپایی، حضور نیروهای پیشرو منطقه از جمله ایران و روسیه بودند که با حمایت از دولت بشار اسد اجازه تصرف سوریه را به تروریست‌ها ندادند. دولت‌های اروپایی حکومت در تبعید را برای سوریه در نظر گرفته بودند اما اکنون این موضوع نیز منتفی شده است. ثالثاً، ظهور داعش به عنوان زنگ خطری برای امنیت اروپا به حساب می‌آید. تروریسم و داعش در خاورمیانه به مشکلی اساسی برای اروپا تبدیل شده است. البته تأثیر این مشکل برای کشورهای اروپایی متفاوت است. نمی‌توان همه کشورهای اروپایی را با یک دید در نظر گرفت. شاید بتوان گفت رویکرد اروپا، در خصوص دوران پساداعش دوگانه است. از یک طرف گرفتار نیروهای تروریستی است که ممکن است روزی به کشورهای خود بازگردند، شده و از طرف دیگر از این نیروهای افراطی در منطقه حمایت کرده است. حمایت اروپا غیرمستقیم بوده است و حمایت مستقیم از طریق دلارهای نفتی عربستان و باز گذاشتن مرزهای ترکیه به روی سوریه صورت می‌گرفت. به همین روی می‌توان گفت که رویکرد اروپا در دوران پساداعش بیشتر به سمت و سوی سیاست خارجی روسیه چرخش دارد و اکنون اروپا نیز خواستار حفظ وضع موجود و برقراری امنیت در سوریه است و از این رهگذر اروپا سعی می‌کند بطور غیرمستقیم در موضوع سوریه وارد شود و به هنگام ورود نیز بیشتر در پس مسایل

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

بشردوستانه قرار می‌گیرد و تلاش می‌کند از برخورد هرچه بیشتر و دامن زدن به چالش‌ها جلوگیری بعمل آورد.

به عنوان نتیجه کلی، ایران سعی نموده با شرکت در مسائل سوریه، سیاست پیشگیرانه را اتخاذ نماید تا در اولویت اول به دلیل جایگاه ویژه آن کشور با در رأس قرار دادن ترتیبات امنیتی و توانمندی‌های خود در سیاست خارجی از سقوط اسد جلوگیری نماید، در اولویت بعدی که در صورت سقوط اسد خواهد بود از شکل‌گیری دولتی غیرهمسو و مخالف با آن جلوگیری نماید. اتخاذ سیاست واقع‌گرایی تدافعی در خصوص بحران سوریه در دوران پس از داعش، واکنشی به رفع تهدیدهای امنیتی ناشی از مداخله تعدادی از کشورهای منطقه‌ای و ایالات متحده در محیط امنیتی غیر ضروری ایران است.

تغییر گفتمان امنیتی اروپا که به نوعی حکایت از تغییر ماهیت تهدیدات و چالش‌های جدید اتحادیه اروپا دارد با توجه به وجود بحران‌های مختلف در خاورمیانه، تعامل با مسائل و تحولات این منطقه یکی از آزمون‌های مهم برای سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا می‌باشد. در این زمینه، این اتحادیه کوشیده است با بهره‌گیری از شرایط و تحولات ضمن تقویت جایگاه خود در منطقه، به توسعه مکانیسم‌های نهادی جهت پیشبرد اهداف یاد شده در قالب‌هایی نظیر «مشارکت اروپا، مدیترانه»، «سیاست همسایگی اروپایی» و «موافقت‌نامه با شورای همکاری خلیج فارس» بپردازد.

## منابع:

### الف: منابع فارسی

- احمدی، علی و زارع، محمد (۱۳۹۰)، **تحلیلی بر روابط آمریکا و چین در پرتو تئوری توازن قوا**، فصلنامه ره نامه سیاست گذاری، سال دوم، شماره ۴.
- امیری، مهدی (۱۳۸۴)، **ارزیابی مقایسه‌ای مواضع و دیدگاه‌های اتحادیه اروپا، آمریکا درباره موضوعات مهم جهانی**، مجلس و پژوهش، سال ۱۲، شماره ۴۸.
- اندیشه، کارنگلی (۱۳۹۲)، **دلیل حمایت سرسختانه ایران از سوریه و اسد چیست**، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۹/۲۰)، <http://eshraf.ir>
- ایرانی، محمد (۱۳۹۰)، **بحران سوریه و سردرگمی دوستان**، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۹/۱۱)، <http://www.khabaronline.ir>
- آقامحمدی، ابراهیم (۱۳۹۰)، **چارچوب تحلیلی ساختار کارگزار در سیاست خارجی ایران**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۴.
- بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۹۰)، **آمریکا و رژیم صهیونیستی عامل اصلی اغتشاش در سوریه هستند**، نشریه کارو کارگر.
- براری، اباذر (۱۳۹۱)، **تحولات سوریه و نقش بی بدیل جمهوری اسلامی ایران**، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۹/۲۵)، برگرفته از سایت <http://kurdpress.com>
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تهاجمی و تدافعی**، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، **روابط ایران و ترکیه: آثار آن بر استراتژی‌های سیاسی-امنیتی اسرائیل**، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۴۴، سال ۱۱.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، **نقش ایران و ترکیه در حل بحران سوریه**، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۸/۴)، برگرفته از سایت <http://www.khabaronline.ir>
- برزگر، کیهان (۱۳۹۱)، **انقلاب‌های عربی و تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای**، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۷/۱۷)، برگرفته از سایت <http://www.farsnews.com>

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲)، نقش بازیگران منطقه‌ای در بحران سوریه، (تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۶/۱۰/۹)، برگرفته از سایت <http://www.irdiplomacy.ir>
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، همگرایی و واگرایی در روابط اتحادیه اروپا- آمریکا: موضوعات و زمینه‌ها، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۵.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات آوای نور.
- جیمز، فالتر گراف، رابرت (۱۳۸۸)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، مترجم وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: انتشارات قومس.
- چاسادوفسکی، مایکل (۱۳۹۱)، حرکت در مسیر یک حمله نرم، ماهنامه سیاسی تحلیل بیداری اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، نو واقع گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
- رمضان، طارق (۱۳۸۳)، انقلاب خاموش در اروپا، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۷.
- رضانی، روح ... (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مترجم علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سجادی‌پور، سید محمد کاظم (۱۳۸۰)، ایران و ۱۱ سپتامبر، چارچوبی مفهومی برای درک سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۵، شماره ۴.
- قهرمانی پور، رحمن (۱۳۸۳)، امنیت بین‌الملل فرصت‌ها و تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کامل، روح ... (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر رئالیسم تهاجمی، ماهنامه نگاه، سال چهارم، ۳۸.
- محمدخانی، علیرضا (۱۳۸۸)، تبیین رویکرد نو واقع گرایی در روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳.



- \_\_\_\_\_ بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۵
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱)، **مثلث ایران، روسیه و چین در بحران سوریه**، پیام انقلاب، شماره ۶۶
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: اصول و مسائل**، تهران: دادگستر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات سمت.
- مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۱)، **علل همگرایی راهبردی سوریه و ایران**، ( تاریخ مراجعه به سایت ۱۱/۱۰/۱۳۹۶)، برگرفته از سایت <http://peace-ipsc.org>
- نور علی وند، یاسر و خلیل پور رکن آبادی، علی (۱۳۹۰)، **چند جانبه‌گرایی و روابط فرآتلانتیک در افغانستان**، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۱.
- نیاکوئی، سیدامیر، اسمعیلی، علی و ستود، علی اصغر (۱۳۹۲)، **تبیین راهبرد امنیتی ایران در قبال سوریه**، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱.
- هینه بوش، ریموند (۱۳۸۴)، **روابط بین‌الملل کشورهای خاورمیانه**، مترجم عسگر قهرمانپور، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، شماره ۳.
- یزدان فام، محمود (۱۳۸۶)، **دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی**، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.

### ب: منابع لاتین

- Archick, Kristin & Mix, Derek E, (۲۰۱۳), "The United States and Europe: Responding to Change in the Middle East and North Africa", CRS Report for Congress, June ۱۲.
- Council of the European Union (۴ June ۲۰۱۳), "The European Union and Syria", available at: [http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms\\_data/docs/pressdata/EN/foraff\\_۱۲۸۳۷۹.pdf](http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_data/docs/pressdata/EN/foraff_۱۲۸۳۷۹.pdf).
- Council of the European Union (May ۲۷, ۲۰۱۳), "Council Declaration on Syria", available at:

— فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۳۹۷ —

[http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms\\_Data/docs/pressdata/EN/foraff/۱۳۷۳۱۵.pdf](http://www.consilium.europa.eu/uedocs/cms_Data/docs/pressdata/EN/foraff/۱۳۷۳۱۵.pdf).

- Federica Mogherini, "Shared Vision, Common Action: A Stronger Europe, A Global Strategy for the European Union's Foreign and Security Policy", ۲۰۱۶.

- Hentov, Elliot (may, ۱۰, ۲۰۱۱), "Iran's unwanted revolution, Foreignpolicy", <https://usmgf.mail.yahoo.com/neo/launch?.rand=۳eqkvpb\k۲c۲۸>

- Herbert S. Dinerstein (۱۹۹۵). "The Transformation of Alliance Systems", American Political Science Review, ۵۹, No. ۳, [http://en.wikipedia.org/wiki/National\\_Coalition\\_for\\_Syrian\\_Revolutionary\\_and\\_Opposition\\_Forces](http://en.wikipedia.org/wiki/National_Coalition_for_Syrian_Revolutionary_and_Opposition_Forces)

- [http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/Documents/syria\\_eo\\_۰۸۱۸۲۰۱۱.pdf](http://www.treasury.gov/resource-center/sanctions/Programs/Documents/syria_eo_۰۸۱۸۲۰۱۱.pdf).

- Independent (September ۷, ۲۰۱۳), "Syria crisis: European foreign ministers to urge John Kerry to delay US military action until UN weapons inspectors report back", available at: <http://www.independent.co.uk/news/world/europe/>.

- Jeffrey W. Taliaferro (۲۰۰۰/۰۱), "Security seeking under anarchy", International security, Vol.۲۵, no.۳.

- Kydd, A (۱۹۹۷). "Sheep in sheep s clothing: why security seekers do not fight each other", security studies, vol. ۷, no.۵

- Laub, Zachary and Masters, Jonathan (September ۱۱, ۲۰۱۳), "Syria's Crisis and the Global Response", Council on Foreign Relations.

- Mearsheimer, John J. (۲۰۰۱), "The Tragedy of Great Power Politics", New York: Norton.

- Menashri, David (۲۰۰۷) "Iran.s Regional Policy: Between Radicalism and pragmatism", Journal of International Affair , Vol ۶۰, No. ۲, Spring/Summer.

- Noman Benotman & Roisin Blake (۲۰۱۳), "Jabhat al-Nusra liahl al-Sham min Mujahedi al-Sham fi Sahat al-Jihad", A Strategic Briefing.
- Ostaeyen, Pieter (۲۰۱۴), "Al-Qaeda disavows ISIS in Syria", <http://pietervanostaeyen.wordpress.com/about/>
- Patrick Seale (۱۹۸۹), "Asad: The Struggle for the Middle East", Berkeley: University of California Press, ۱۹۸۹.
- Reuters (Aug ۲۱, ۲۰۱۳), "EU wants immediate probe of alleged Syria chemical attack", available at: <http://www.reuters.com/article/۲۰۱۳/۰۸/۲۱/us-syria-crisis-eu-idUSBRE۹۷K.N.۲۰۱۳.۸۲۱>.
- Salloukh, F. Bassel (۲۰۰۹), Demystifying Syrian Foreign Policy under Bashar al- Asad, in: Fred H. Lawson ed., Demystifying Syria, London: Saqi books.
- Shahram Chubin & Charles Tripp, (۱۹۸۸) Iran and Iraq at War , Boulder, Colorado: Westview Press and Hirschfeld.
- Stepanova, Ekaterina (۲۰۱۲), "The Syrian Civil War: Transition Without Intervention?", Institute of World Economy and International Relations (IMEMO), Moscow.
- Walt, Stephan (۱۹۸۷), "The Origins of Alliance", Ithaca: Cornell University Press.
- Walt, Stephen M. (۱۹۸۸), "Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest Asia", International Organization, Vol. ۴۲, No. ۲.
- Waltz, Kenneth H. (۱۹۷۹), Theory of International Politics, New York: Random House.
- Zakaria f. (۱۹۹۸), From wealth to power: the Unusual origins of America s world role: Princeton. Nj: Princeton University Press.